

بزرگداشت سعدی شیرازی

شرح زندگی نامه سعدی

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی بی تردید بزرگترین شاعری است که بعد از فردوسی آسمان ادب فارسی را با نور خیره کننده اش روشن ساخت و آن روشنی با چنان تلالویی همراه بود که هنوز پس از گذشت هفت قرن تمام از تاثیر آن کاسته نشده است و این اثر تا پارسی برجاست همچنان برقرار خواهد ماند.

تاریخ ولادت سعدی به قرینه ی سخن او در گلستان در حدود سال 606 هجری است. وی در آغاز گلستان چنین می گوید:
«یک شب تأمل ایام گذشته می کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می خوردم و سنگ سراچه دل را به الماس آب دیده می سافتم و این ابیات مناسب حال خود می گفتم:

در اقصای عالم بگشتم بسی به سر بردم ایام با هر کسی
تمتع به هر گوشه ای یافتم ز هر خرمنی خوشه ای یافتم
چو پاکان شیراز خاکی نهاد ندیدم که رحمت بر این خاک باد
تولای مردان این پاک بوم برانگیختم خاطر از شام و روم
دریغ آدم زان همه بوستان تهیدست رفتن سوی دوستان
به دل گفتم از مصر قند آورند بر دوستان ارمانی برند
مرا گر تهی بود از قند دست سخن های شیرین تر از قند هست
نه قندی که مردم به صورت خورند که ارباب معنی به کاغذ برند»

به تصریح خود شاعر این ابیات، مناسب حال او و در تأسف بر عمر از دست رفته و اشاره به پنجاه سالگی وی سروده شده است و چون آنها را با دو بیت زیر که هم در مقدمه گلستان من باب ذکر تاریخ تألیف کتاب آمده است:

هر دم از عمر می رود نفسی چون نگه می کنم نمانده بسی
ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روز دریابی
خجل آن کس که رفت و کار نساخت کوس رحلت زدند و بار نساخت
خواب نوشین بامداد رحیل بازدارد پیاده را زسیل...

قیاس کنیم، نتیجه چنین می شود که در سال 656 هجری پنجاه سال یا قریب به این از عمر سعدی گذشته بود.

سعدی در شیراز در میان خاندانی که از عالمان دین بودند ولادت یافت. دولتشاه می نویسد که: «گویند پدر شیخ ملازم اتابک بوده» یعنی اتابک سعدین زندگی، و البته قبول چنین قولی با اشتغال پدر سعدی به علوم شرعیه منافات ندارد. سعدی از دوران کودکی تحت تربیت پدر قرار گرفت و از هدایت و نصیحت او برخوردار گشت؛ ولی در کودکی یتیم شد و ظاهراً در حضن تربیت نیای مادری خود که بنابر بعضی اقوال مسعود بن مصلح الفارسی پدر قطب الدین شیرازی بوده، قرار گرفت و مقدمات علوم ادبی و شرعی را در شیراز آموخت و سپس برای اتمام تحصیلات به بغداد رفت. این سفر که مقدمه ی سفرهای طولانی دیگر سعدی بود، گویا در حدود سال 620 هجری اتفاق افتاده است؛ زیرا وی اشاره ای دارد به زمان خروج خود از فارس در هنگامی که جهان چون موی زنگی در هم آشفته بود.

سعدی بعد از این تاریخ تا مدتی در بغداد به سر برد و در مدرسه ی معروف نظامیه ی آن شهر به ادامه تحصیل پرداخت. چند سالی را که سعدی در بغداد گذراند باید به دوران تحصیل و کسب فیض از بزرگترین مدرسان و مشایخ عهد، تقسیم کرد و گویا بعد از طی این

مراحل بود که سفرهای طولانی خود را در حجاز و شام و لبنان و روم آغاز کرد و بنا به گفتار خود در اقصای عالم گشت و با هر کسی ایام را به سر برد و به هر گوشه ای تمتعی یافت و از هر خرمنی خوشه ای برداشت.

نکته مهمی که درباره سعدی قابل ذکر است، شهرت بسیاری است که در حیات خویش حاصل کرد. پیداست که این موضوع در تاریخ ادبیات فارسی تا قرن هفتم هجری تازگی نداشت و بعضی از شاعران بزرگ مانند ظهیر فاریابی و خاقانی در زمان حیات خود مشهور و در نزد شعرشناسان عصرشان معروف بودند. اما گمان می رود که هیچ یک از آنان در شهرت میان فارسی شناسان کشورهای مختلف از آسیای صغیر گرفته تا هندوستان، در عهد و زمان خود، به سعدی نرسیده اند و اینکه او در آثار خویش چند جا به شهرت و رواج گفتار خود اشاراتی دارد، درست و دور از مبالغه است.

از جمله شاعران استاد در عصر سعدی که در خارج از ایران می زیسته اند یکی امیر خسرو است و دیگر حسن دهلوی که هر دو از سعدی در غزل های خود پیروی می کرده اند و امیر خسرو از اینکه در «نوبت سعدی» جرأت شاعری می کرد خود را ملامت می نمود.

آثار سعدی به دو دسته ی آثار منظوم و آثار منثور تقسیم می شود. آثار منثور وی خاصه شاهکارش گلستان، دارای هشت باب است:

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

خداوند بخشنده دستگیر کریم خطا بخش پوزش پذیر

عزیزی که هر کز درش سر بتافت به هر در که شد هیچ عزت نیافت

سر پادشاهان گردنفر از به درگاه او بر زمین نیاز

نه گردنکشان را بگیرد به فور نه عذرآوران را براند به جور

و گر خشم گیرد ز کردار زشت چو باز آمدی ماجرا در نوشت

اگر با پدر جنگ جوید کسی پدر بی گمان خشم گیرد بسی

و گر بنده چابک نباشد به کار عزیزش ندارد خداوندگار

و گر بر رفیقان نباشی شفیق به فرسنگ بگریزد از تو رفیق

و گر ترک خدمت کند لشکری شود شاه لشکر کش از وی بری

دو کونش یکی قطره از بحر علم گنه ببند و پرده پوشد به حلم

ادیم زمین سفره عام اوست بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست

اگر بر جفاپیشه بشنافتی که از دست قهرش امان یافتی؟

بری ذاتش از تهمت ضد و جنس غنی ملکش از طاعت جن و انس

پرستار امرش همه چیز و کس بنی آدم و مرغ و مور و مگس ...

در رأس آثار منظوم سعدی یکی از شاهکارهای بلا منازع شعر فارسی قرار دارد که در نسخ کهن، کلیات "سعدی نامه" نامیده شده و

بعدها به "بوستان" شهرت یافته است. این منظومه در اخلاق و تربیت و وعظ و تحقیق است در ده باب: 1- عدل 2- احسان 3- عشق 4-

تواضع 5- رضا 6- ذکر 7- تربیت 8- شکر 9- توبه 10- مناجات

تاریخ اتمام منظومه گلستان را سعدی بدینگونه آورده است:

به روز همایون و سال سعید به تاریخ فرخ میان دو عید

ز ششصد فزون بود و پنجاه و پنج که پر دُر شد این نامبردار گنج

و بدین تقدیر کتاب در سال 655 هجری به اتمام رسید اما تاریخ شروع آن معلوم نیست و تنها از فحوای سخن گوینده در آغاز منظومه معلوم می شود که آن را پیش از بازگشت، به فارسی سرود.

شهرتی که سعدی در حیات خود به دست آورد بعد از مرگ او با سرعتی بی سابقه افزایش یافت و او به زودی به عنوان بهترین شاعر زبان فارسی و یا یکی از بهترین و بزرگترین شعرای درجه اول زبان فارسی شناخته شد و سخن او حجت فصحا و بلغای فارسی زبان قرار گرفت. این اشتهار سعدی معلول چند خاصیت در اوست: نخست آنکه وی گوینده ای است که زبان فصیح و بیان معجزه آسای خود را تنها وقف مدح و یا بیان احساسات عاشقانه و امثال این مطالب نکرد بلکه بیشتر، آن را به خدمت ابناء نوع گماشت و در راه سعادت آدمیزادگان و موعظه آنان و علی الخصوص راهنمایی گمراهان به راه راست، به کار برد و در این امر از همه شاعران و نویسندگان فارسی زبان موفق تر و کامیاب تر بود. دوم آنکه وی نویسنده و شاعری با اطلاع و جهان دیده و سرد و گرم روزگار چشیده بود و همه تجاربی را که در زندگانی خود اندوخته بود، در گفتارهای خود برای صلاح کار هموعان بازگو کرد تا در هدایت آنان به راه راست موفق تر باشد. سوم آن که وی سخن گرم و لطیف خود را در نظم و نثر اخلاقی و اجتماعی خویش همراه با امثال و حکایات دلپذیر که جالب نظر خوانندگان باشد بیان کرد و آنان را تنها با نصایح خشک و موعظه ملال انگیز از خود نرنجانید. چهارم آنکه وی در مدح و غزل، هر دو راهی نو و تازه پیش گرفت، در مدح، بیان موعظ و اندیشه های حکیمانه ی خود را از جمله مبانی قرار داد و در غزل و اشعار غنائی خویش هم هر جا که ذوق او حکم کرد از تحقیق و بیان حکم و امثال غفلت نوزید. پنجم آنکه سعدی در عین و عطف و حکمت و هدایت خلق، شاعری شوخ و بذله گو و شیرین بیان است و در سخن جد و هزل خود آنقدر لطایف به کار می برد که خواننده خواه و ناخواه مجذوب او می شود و دیگر او را رها نمی کند. ششم آنکه وی در گفتار خود از بسیاری مثل های فارسی زبانان که از دیرباز رواج داشت استفاده کرده و آنها را در نظم و نثر خود گنجانده است و علاوه بر این، سخنان موجز و پرمایه و پر معنای او گاه چنان روشنگر افکار و آرمان های جامعه ایرانی و راهنمای زندگانی آنان افتاده است که به صورت سایر امثال در میان مردم رایج شده و تا روزگار ما، خاص و عام، آنها را در گفتارها و نوشته های خود به کار برده اند.

مجتمع آموزشی آداب - پرورشی